**( کح ) تفسير آيه پنجم از فصل هفدهم**

**انجيل يوحنّا**

**سؤال**

از آيه انجيل يوحنّا " و الآن تو ای پدر مرا نزد خود جلال ده بهمان جلالی که قبل از آفرينش جهان نزد تو داشتم "

**جواب**

تقدّم بر دو قسم است تقدّم ذاتيست که مسبوق بعلّت نباشد بلکه وجودش بذاته باشد . مثلاً آفتاب که روشنائيش بذاته است و در روشنائی محتاج بفيض کوکب ديگر نه اين را روشنائی ذاتی گويند . امّا روشنائی ماه مقتبس از آفتاب است زيرا ماه در روشنائی محتاج بآفتابست . پس آفتاب در روشنائی علّت شد و ماه در روشنائی معلول آن قديم و سابق و متقدّم و اين مسبوق و متأخّر . نوع ثانی قدم قدم زمانيست و آن لا اوّل له است و حضرت کلمة اللّه مقدّس از زمان است زمان گذشته و حال و آينده کلّ بالنّسبه بحقّ يک سان است ديروز و امروز و فردا در آفتاب نيست . و همچنين تقدّم از جهت شرفست يعنی اشرف مقدّم بر شريفست پس حقيقت مسيحيّه که کلمة اللّه است البتّه من حيث الذّات و الصّفات و الشّرف مقدّم بر کائناتست . و کلمة اللّه پيش از ظهور در هيکل بشری در نهايت عزّت و تقديس بود و در کمال جلال و جمال در اوج عظمت خويش برقرار و چون کلمة اللّه از اوج جلال بحکمت حقّ متعال در عالم جسد اشراق نمود بواسطه جسد تعدّی بر کلمة اللّه شد چنانچه در دست يهود افتاد و اسير هر ظلوم و جهول گرديد و عاقبت مصلوب شد . اينست که خطاب بحقّ مينمايد که مرا از قيد عالم جسد آزاد فرما و از اين قفس برهان تا باوج عظمت و جلال صعود نمايم و آن عزّت و تقديس سابق پيش از عالم جسد يابم و در جهان باقی شادمانی کنم و بوطن اصلی عالم لامکان ملکوت پنهان صعود نمايم چنانکه ملاحظه گرديد که حتّی در عالم ملک يعنی انفس و آفاق بلکه نقطه تراب عظمت و جلال حضرت مسيح بعد از صعود ظاهر شد زمانی که در عالم جسد بود در تحت تحقير و توهين اضعف اقوام عالم يعنی يهود بود و بر تارک مبارکش تاج خار سزاوار داشتند امّا بعد از صعود تاجهای مرصّع جميع ملوک خاضع و خاشع آن تاج خار گرديد ببين که کلمة اللّه در آفاق نيز چه جلالی يافت .